

تفسیر اصباۃ مدنی

جلد اول

(سورۃ الفاتحہ - الأنعام)

تألیف

قاضی معین الدین محمد بن خورشید

(سدہ ششم بحری)

تصحیح و تحقیق

علی رواتی

- سرشناسه : نیشابوری، محمد بن محمود، قرن ۶ ق.
- عنوان و نام پدیدآور : تفسیر بحار فی / از معین الدین محمد بن محمود نیشابوری؛ به تصحیح علی رواقی.
- مشخصات نشر : تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۸.
- مشخصات ظاهری : ۴ ج.
- فروست : میراث مکتوب؛ ۳۲۵. علوم و معارف اسلامی؛ ۷۲.
- شابک : دوره: 978-600-203-170-9 ج. ۱؛ 978-600-203-172-3 ج. ۲؛ 978-600-203-174-7 ج. ۳؛ 978-600-203-173-0 ج. ۴.
- وضعیت فهرست نویسی : فیفا
- یادداشت : چاپ قبلی: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۹.
- مندرجات : ۱. سوره الفاتحه - الانعام. - ج. ۲. سوره الاعراف - النور. - ج. ۳. سوره الفرقان - التغابن. - ج. ۴. سوره الطلاق - الناس و نمایه ها.
- موضوع : تفاسیر اهل سنت - قرن ۶ ق.
- موضوع : Qur'an*-Sunnite Hermeneutics-12th century
- شناسه افزوده : رواقی، علی، ۱۳۲۰ -
- رده بندی کنگره : BP ۹۴ / ۵ ۱۳۹۸
- رده بندی دیویی : ۲۹۷ / ۱۷۲۴
- شماره کتابشناسی ملی : ۵۷۳۸۰۹۲



تفسیر بصائر یمینی

جلد اول

(سورة الفاتحه - الانعام)

تألیف: آقا علی الدین محمد بن محمود نیشابوری (سده ششم هجری)

تصحیح و تحقیق: علی رواقی

ناشر: میراث مکتوب

تولید: محمد باهر

ترجمه: محمد باهر به انگلیسی: مصطفی امیری

مدیر فنی، امور چاپ: حسین شاملوفرد

چاپ اول: ۱۳۸۸

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

بهای دوره با جلد شومیز: ۴۳۵۰۰ تومان

بهای دوره با جلد سخت: ۵۰۰۰ تومان

شابک (دوره): ۹ - ۱۷۰ - ۲۰۳ - ۶۰۰ - ۹۷۸

شابک (ج ۱): ۶ - ۱۷۱ - ۲۰۳ - ۶۰۰ - ۹۷۸

چاپ (دیجیتال): میراث

همه حقوق متعلق به ناشر و محفوظ است

نشر الکترونیکی اثر بدون کسب اجازه کتبی از ناشر ممنوع است

نشانی ناشر: تهران، ش. پ: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲، دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

E-mail: tolid@MirasMaktoob.ir

<http://www.MirasMaktoob.ir>

فهرست مطالب



نه		مقدمه
نه		درباره تفسیر بصائر
نه		نام اثر
ده		تشابه اسمی تفسیر بصائر با البصائر فی وجوه و النظائر
ده		نام نویسنده
ده		دیگر آثار مؤلف بصائر
سیزده		نگاهی به واژگان تفسیر بصائر
یکصد و یازده		دست‌نوشته‌های تفسیر بصائر یمنی
یکصد و هفده		نشانه دست‌نوشته‌های تفسیر بصائر در متن
یکصد و نوزده		تصویر دست‌نوشته‌های تفسیر بصائر
یکصد و بیست و هفت		کتابنامه
۷		سورة الفاتحه
۱۹		سورة البقرة
۲۶۷		سورة آل عمران
۳۴۵		سورة النساء
۴۱۵		سورة المائدة
۴۷۵		سورة الأنعام

مقدمه

درباره تفسیر بصائر

نام اثر

نام اثر در دیباجه مؤلف در هر دو دست‌نویست این متن که مقدمه تفسیر بصائر را در بر دارند، یعنی نسخه ۱۲۵۱، مجلد (د ۲) و نسخه ۶۴ موزه مولانای قونیه (ک ۲ پ) به صورت بصائر و بی اضافه یمینی ضبط شده است:

روی به تحریر این تفسیر بر زبان فارسی که فواید آن عام‌تر است و حاجت مردمان درین بلاد بدان ظاهرتر است آوردم و نام آن بصائر نهادم.

عوفی در باب‌الالباب نام اثر را بصائر یمینی آورد است با توجه به گفته عوفی که نویسنده تفسیر بصائر را از فحول دانشمندان غزنین در دولت بهرام‌شاه غزنوی دانسته و چون بهرام‌شاه نیز ملقب به لقب جد بزرگش یعنی **یمین الدوله** بوده، می‌توان برداشت کرد که شاید خود مؤلف، یمینی را در جای صفتی برای تفسیرش آورده بود است. اینگونه نام‌گذاری‌های بر پایه لقب ممدوح در گذشته رواج داشته و درخور توجه است که یکی از همین آثار یعنی **زیج یمینی** نگاشته ۵۱۱ ق به نام همین بهرام‌شاه غزنوی فراهم آمده است (نک: حقایق ۱۳۹۵). پیش از آن هم **تاریخ یمینی** محمد بن عبدالجبار العتبی بر مبنای لقب سلطان محمود غزنوی (یعنی **یمین الدوله**) نام‌گذاری شده بود. همینطور **قانون مسعودی** ابوریحان بیرونی که به نام مسعود بن محمود غزنوی نگاشته شده است.

تشابه اسمی تفسیر بصائر با البصائر فی وجوه و النظائر

جز تفسیر بصائر که از آن سخن گفتیم، یک اثر دیگر با نام البصائر فی وجوه و النظائر موجود است که اندکی پس از تفسیر بصائر، توسط ابوالفضائل محمد بن الحسین المعینی (حدود ۵۸۴ ق) نگاشته شده است. اگرچه البصائر فی وجوه و النظائر نیز در موضوع علوم قرآنی نوشته شده اما چنانکه از نام آن نیز برمی آید، اثری است که بیشتر به مباحث لغوی قرآن (مانند وجوه معانی الفاظ) پرداخته است و اثری تفسیری به شمار نمی آید.

نام و پند

نام نویسندۀ هر دو نسخه ۱۲۲۵۱ مجلس (گ ۲ ر) و نسخه ۶۴ موزه مولانای قونیۀ (گ ۲ پ) چنین ضبط شده است: قاضی امام اجل معین الدین حجة الحق مفتی الامة محمد بن محمود النیشابوری. در عبارتی لقب و نام و نسبت وی با حذف موارد غیر رسمی می تواند قاضی معین الدین محمد بن محمود نیشابوری باشد.

منصب قضای محمد بن محمود نیشابوری نشانگر مقام علمی و بویژه مقام حکومتی اوست زیرا تفویض این منصب به یک شخص در روزگار گذشته، نیازمند داشتن پایگاه بلندی از دانش بود. چنانکه خواهیم دید، نیشابوری در یکی از جنگ ها، به عنوان نماینده بهرام شاه غزنوی نزد سنجر فرستاده شد. ازین امری از نگاه سیاسی طبعاً جایگاهی بلند داشته است.

کهن ترین اشاره در متون فارسی به نیشابوری (مؤلف تفسیر بصائر) در لباب الالباب محمد عوفی دیده می شود. در آغاز فصل چهارم لباب الالباب (ج ۱ ص ۲۸۱ چاپ پراون و قزوینی) که به یادکرد «لطایف اشعار علماء بلاد جبال و حضرت غزنوی و لوهور و توابع آن» اختصاص یافته، شرح حالی از نیشابوری بدین عبارات به دست داده است:

«الامام العالم فخر الملة و الدین محمد بن محمود بن احمد النیشابوری
رحمه الله: امام یگانه و صاحب فضل بی کرانه؛ عالمی نی عالمی، جهان
محامد و مآثر و کان فضایل و مفاخر. پدر او امام بیان الحق محمد نیشابوری
رحمه الله - از افراد عالم بودست و لطایف و غرائب و تصانیف او در انواع
علوم در اطراف جهان مشهورست و جمله مقبول. و چون به سمع او رسید که

در بلاد مغرب تفسیری ساخته‌اند پنجاه مجلد، او در معنی یک آیت که آفریدگار می‌فرماید: و فی أنفسکم افلا تبصرون؛ صد دفتر تألیف کرد؛ پنجاه در خلقِ انسان و پنجاه در خلقِ انسان. و این امام فخرالدین محمد محمود که ما به صدد ذکر اویم در عهد دولت بهرام‌شاه از فحول ائمه غزنین بود و تفسیر بصائر یمینی تألیف اوست. و رای‌آرای که ترجمه غرر و سیر است تصنیف او. و صحیفه الاقبال که در معارضه تیغ و قلم است ساخته و پرداخته او. و او را تصانیف بسیار است. و از اشعار او بر یک رباعی اختصار کنیم برچند معروف است ولیکن بغایت مطبوع است. در آن وقت که رایت دولت سلطان سعید سنجر - تعمد الله برحمته - بر صوب ممالک غزنین خافق گشت تا بهرام‌شاه رامالش دهد و ممالک غزنین را مستخلص و مستصفی گرداند، بهرام‌شاه را با او امکان مقاومت نبود، امام فخرالدین محمد محمود نیشابوری نامه رسالت فرستادند و چون به حد تکیناباد به معسکر منصور پیوست، به و دست‌گیری و تازم، جانب او مرعی نماند و او را پیش بردند. بعد از رعایت جانب ادریس و اقامت شرایط خدمت زبان برگشاد و گفت: بهرام که شاهی ازین درگاه یافتا است مایه خدمت می‌بوسد و می‌گوید: بیت:

گر آب دهی نهال خود کاشته‌ای / بر پست کنی بنا خود افراشته‌ای
من بنده همانم که تو پنداشته‌ای / از دست می‌فکنم جو برداشته‌ای.

مرحوم قزوینی در تعلیقات لباب‌الالباب (ج ۱، ص ۲۶۰) در توضیح مطالب مندرج در متن چنین نوشته‌اند:

ص ۲۸۱، س ۱۴: بصائر یمینی، تفسیری است فارسی؛ صاحب خلیفه (۵۵۵: ۲) به نام البصائر فی التفسیر تاریخ تألیف آن را در سنه ۵۷۷ می‌نویسد و آن سهو است ظاهرأ، چه صاحب ترجمه در سالی که سلطان سنجر به غزنه آمد یعنی در سنه ۵۲۹ از مشایخ کبار محترم بوده است و بعید است که تا سنه ۵۷۷ یعنی ۴۸ سال دیگر در حیات باشد و انگهی بعد از ۴۸ سال تفسیری کبیر تألیف نماید.

این کتاب نیز فارسی است و تذکره هفت اقلیم (l. 224h) نام آن را رای جهان‌آرای می‌نویسد و حاجی خلیفه (۳: ۳۴۲) نام مصنف آن را محمد بن احمد النیشابوری آورده است.

دیگر آثار مؤلف بصائر

مطابق آنچه عوفی یاد کرده، نویسنده بصائر یمنی جز این اثر، صاحب دو اثر دیگر بوده است: ۱. *رای آرای*، ۲. *صحیفه الاقبال*

درباره *رای آرای*، عوفی تصریح می‌کند که این اثر ترجمه فارسی کتاب *غرر و سیر* (غزالسیر) ابومنصور ثعالبی است. اما درباره دومین اثر یعنی *صحیفه الاقبال* چون تاکنون نسخه‌ای از آن دست‌یاب نشده است نمی‌توان به یقین گفت که این اثر به زبان فارسی بوده است یا به زبان عربی.

مکتب دیگر اینکه عوفی در اثر *دیگرش جوامع الحکایات و لوامع الروایات* چند بار مطالبی از *غرر و سیر* ثعالبی نقل کرده است که احتمال بسیار می‌رود نوشته او منقول از همین ترجمه *رای آرای* بوده و نه اصل عربی اثر.

ابوالقاسم محمود بن احمد بن ابوالحسن الفاریابی (۶۰۷ ق) در کتاب *خالصة الحقائق لما فيه من اساليب الدقایق* اثر هنرنامه اندی اثر به عنوان مأخذ کارش، نام می‌برد. در مقدمه کتاب (دست‌نوشته ۱۷۵۷ کتابخانه اصفویا، مورخ ۷۹۹ ق، گ ۴ پ) از این اثر چنین یاد کرده است:

کتاب *سر السرور للشیخ معین الدین محمد بن محمود النیشابوری*

افزون براین، در متن تفسیر بصائر، مؤلف از کتابی به نام *مهمات مهمات* نام می‌برد که آن را به نام بهرامشاه غزنوی فراهم آورده است:

در کتاب *مهمات مهمات* که به اسم سلطان بهرامشاه رحمة الله علیه آمده‌ایم و بر حکمت‌هایی که احکام شرعی بر آن مرتب است، به قدر امکان به بیفتاده و مجهود ما در آن مبدول بوده و این موضع زیادت ازین احتمال ندارد.

(تفسیر بصائر یمنی، ۱۴۱)

و در جای دیگر از کتاب *غریب القرآن* نام می‌برد:

در *غریب القرآن* که برای عزیزتر فرزندان خود تصنیف کرده‌ایم، اشتقاق توبت نصوص بازگویم. (تفسیر بصائر یمنی / ۲۰۰۳)

۱. این اثر در پنجاه باب درباره مسائل دینی و اخلاقی و مواظب و حکایات و لطایف متفرقه نگاشته شده است.

نگاهی به واژگان تفسیر بصائر

در میان ده‌ها و شاید صدها ترجمه - تفسیری که در گنجینه بزرگ آستان قدس رضوی و دیگر گنج‌خانه‌ها و کتابخانه‌های ایران و جهان دیده و شناخته شده‌اند بسیاری از ترجمه - تفسیرها را می‌شناسیم که می‌توان گفت بیشترین آنها از نگاه زبانی و فرهنگی از ویژگی‌های گونه‌ها و گویش‌های کاربردی در شماری از حوزه‌های مختلف جغرافیایی بهره گرفته و تألیف شده‌اند:

۱. حوزه شمال شرق (ماوراءالنهر)

ترجمه - تفسیرهای این حوزه همچون ترجمه تفسیر طبری و تفسیر نسفی و ترجمه‌های قرآن شماره ۱۰۸ و ۹۹۹ و ۷۰۴ آستان قدس رضوی، می‌تواند ویژگی‌های گونه زبانی فارسی ماه ۱۰۸ (ارود) را به خوبی نشان دهد.

۲. حوزه هرات

از متن‌های قرآنی این حوزه می‌توان از شفاء الاسرار و عادة الابرار و بخشی از تفسیری که به پارسی، نام برد.

۳. حوزه سیستان (که پیوندی گسترده با فارسی میانه دارد)

ترجمه قرآن قدس و ترجمه سوره مائده، دو متن شاخص این حوزه‌اند.

۴. حوزه مرکزی یا رازی

متن‌های چون روض الجنان و ترجمه قرآن ری نمونه‌های چابک‌شده از این حوزه، به‌شمار می‌رود.

ناهم خوانی‌های واژگانی و ساختاری و آوایی ترجمه‌ها یا ترجمه - تفسیرهایی که در این چهار گونه زبان فارسی می‌بینیم بدان اندازه است که در این پیش‌گفتار نمی‌گنجد و بایسته است که در بحث بلند گونه‌شناسی یا سبک‌شناسی متون قرآنی و فارسی بدان پرداخته شود.

جای شگفتی است که با همه توجه و کوششی که در راستای ترجمه قرآن به گونه‌ها و گویش‌های زبان فارسی در شماری از حوزه‌های جغرافیایی ایران بزرگ به سامان رسیده

است در پاره‌ای از حوزه‌های این سرزمین، این خواهانی و خواستاری برای ترجمه قرآن بسیار کم‌رنگ است

حوزه شمال غرب ایران یکی از این حوزه‌های جغرافیایی است. سرزمینی که با سرایندگانی چون قطران و نظامی و خاقانی و مجیرالدین بیلقانی و... توانسته است جایگاه و پایگاه بلندی در ادب فارسی پیدا کند اما تاکنون ترجمه - تفسیری از این حوزه زبانی دستیاب نشده است که از ویژگی‌های گونه زبانی شمال غرب و یا گونه معیار زبان فارسی در این حوزه بهره برده باشد. وجوه القرآن تنها کتابی است که در زمینه لغت قرآنی از حیث تفسیری به دست ما رسیده است.

و اما از تفسیر بصائر یمنی بگوئیم، این ترجمه - تفسیر با اینکه در حوزه خراسان بزرگ فراهم آمد، اما از نگاه گونه زبانی و گونه فرهنگی با دیگر تفسیرهایی که در این حوزه جغرافیایی نوشته شده، چون تفسیر سورآبادی، تاج التراجم و کشف الاسرار ناهمخوانی‌های فراوانی دارد. بساطت تفسیر بصائر در تألیف این متن بیشتر از گونه معیار و نوشتاری و ادبی بهره برده است، اما در دست‌نویس اساس و برخی دیگر از نسخه‌های این تفسیر، کم و بیش واژه‌های گویشی را می‌توان دید واژه‌هایی چون کوغ و چرخ ارهتی و چپک و چژک از این دست واژه‌ها شمار می‌رود.

در این پیش‌گفتار برآنیم تا شماری از واژه‌های کاربردی در تفسیر بصائر را از نظر خوانندگان بگذرانیم. کوشش ما براین بوده است تا در حد توان شاهد‌ها و نمونه‌هایی را که از متن‌های دیگر برای این واژه‌ها داشته‌ایم در کنار واژه‌های قرآنی تفسیر بصائر بیاوریم تا یاریگری برای دریافت معنای دقیق و روشن کاربردهای واژه‌های این ترجمه - تفسیر باشد، بهتر است بیفزاییم که پیشنهادهایی هم درباره معنای چند واژه کم‌کاربرد این متن‌ها آورده‌ایم که امید است چندان دور از معنای وضعی و اصلی آن نباشد. از دانایان متون فارسی بویژه پژوهندگان گرامی متن‌های قرآنی خواستاریم تا نگاه و نظر و داوری خود را درباره این واژه‌ها از ما دریغ ندارند.

آب شدگی / آب بشدگی

تعبیر کم کاربرد آب شدگی به معنای آبروریزی و بی آبرویی در تفسیر بصائر آمده است:
ما چگونه برین ناکامی اغماض کنیم و بدین آب شدگی چگونه رضا توانیم داد.

(تفسیر بصائر / ۱۷۹۲)

همین تعبیر را در قالب آب بشدگی در مقامات ژنده پیل می خوانیم:

شیخ الاسلام... به قاضی القضاة بوسعید کس فرستاد که: بدین خطبه که شما بگوئید شما را بدان فخری نباشد... خواجه امام حسن مصعبی را گفت: برو و این پیام به قاضی القضاة برسان. او گفت من این توانم گفت... شیخ الاسلام گفت: اگر ترسانی، درین آب بشدگی (م. آب بشدلی) قاضی القضاة بوسعید باشد که در میان دو خطبه فرمان خواجه اشرف بیارند. در آب بشدگی (م. آب بشدلی) نباشد. (مقامات ژنده پیل / ۱۲۳)

در بعضی از متن ها و رشته های فارسی تعبیر آبرفتگی و آبریختگی در معنای آبروریزی و آب بشدگی آمده است.

پوشانیدن حال درویش، تارسوا نشود و تداؤل زبانها نگردد و حال او نزدیک دشمن و دوست او کشف نشود بهتر از... ای که پس از آن رنجی باشد و آبرفتگی به روی آید و دشمن کامی به حاصل شود. (تفسیر بصائر / ۲۵۱)

امروز از برای تو بسیار مکاره شوم و آبرفتگی یده، ازین رنج که به اقدام بر قتل تو مبتلا گردم، امروز آب و نان نخورده ام. (ترجمه شرح آثار شدت / ۱۲۱)

(وزیر) گفت: هیچ دانی که از آبرفتگی چه حاصل آید و رز که به شاعری و مسخرگی داده باشند، بطلبند. (جوامع الحکایات. جزء دوم از قسمت سوم / ۴۹)

علی تگین به بلخ نزدیک است و مردم تمام دارد، که سلجوقیان با وی دشمنند و اگر قصد بلخ و تخارستان نکند باشد که سوی ختلان و چغانیان و ترمذ آید، ناسادی انگیزد و آبریختگی باشد. (تاریخ بیهقی / ۳۷۵)

و از هرگونه سخن رفت و قرار دادند که رسولی فرستاده آید و بیش از این بایست فرستاد تا این آبریختگی نبودی. (تاریخ بیهقی / ۶۳۵: ۷۰۹، ۷۵۰، ۸۷۰)

اندیشه ز آب ریختگی بود در غمت

خون ریختن نبود خود اندر شمار چشم (دیوان تمال شدین اسماعیل / ۱۱۳)